

رهبری فردی یا سازمانی ، کدام علمی است.

مشکل اخیر کمیته هماهنگی از کجا سر چشمه می گیرد؟

مقدمه

ما همیشه از طرف دوستانی که به جای پاسخگویی به نقد ها و یا نوشته ها، از دشنام دادن و توهین کردن استفاده می کنند زیان برده ایم . البته این نوع برخورد حتی با دشمنان نیز ریشه در ضعف نسبت به توان در پاسخگویی دارد که بهتر است به جای دشنام و توهین یا خود را ارتقاع بدهیم یا حرف نقاد را بپذیریم و یا صادقانه و عاقلانه از بحث کنار بکشیم.

مقدمه فوق برای این بود رفیق محمد حسین در مطلبی با نام "نکاتی درباره سخنان محمود صالحی و ساختار تشکل های کارگری" بدون پرداختن به نقد های کمیته هماهنگی به صورت گذرا توهین آمیز بر خورد کرده اند که من در این نوشته از آنها بصورت کوتاه بحث خواهم کرد . کوتاه به این دلیل که به احتمال قوی این بحث ها مدت طولانی ادامه داشت بنا براین باز فرصت های پیش خواهد آمد.

باید بدانیم این مشکل اخیر در کمیته هماهنگی فقط مال این کمیته یا یک اشتباه تصادفی نیست و همچنین طی چند ماه اخیر اتفاق نیافتاده است. در حدود دو سال است که خود را نمایان کرده و بحث جلو گیری از ورود پیمانکاران در واقع بهانه ای، بحث است. با تمام آنچه که رفیق محمد حسین بر می شمارند که بسیارشان درست هستند اما ربطی به تشکل های فعالین کارگری ندارد. مشکل فوق از مجموع سه مورد زیر سر چشمه می گیرد

۱- در اصل این بیماری حاصل علنی گرایی - و تز چهره شدن و چهره سازی یعنی رهبری فردی و کیش شخصیتی به جای رهبری سازمانی است. که سالهاست با بهانه های مختلف تشکل های فعالین کارگری را تکه تکه می کند چون هر کدام از این رهبران که بیش از ظرفیت محیط خود بزرگ می شوند برای ادامه رشد امکان نمی یابند ضمن اینکه خود دچار بی عملی می شوند و برای اینکه موقعیت خود را از دست ندهند مانع رشد نفرات بعدی شده اختلاف شروع می گردد که در چنین فضای صد ها بهانه می توان پیدا کرد.

۲- متأسفانه بدلیل ناتوانی و پاسیف بودن سازمانهای سیاسی و پراکندگی آنها، در همین حال مانع شدن در مقابل یکدیگر در کسوت سکت های مختلف امکان ایجاد بستری که از میان توده های کارگر طی روند مبارزات افراد مستعد رهبری سازمانی در تعداد کثیری آموزش دیده رشد نمایند و به عنوان رهبران و فعالین کارگری وارد عرصه مبارزه شوند وجود ندارد. بنا براین رهبران فوق به تعداد بسیار کم ، بدون آموزش های علمی در همین حال با روی کرد فردگرایانه که از اندیشه مسلط سرمایه داری سرچشمه گرفته است در تعداد کمتر از انگشتان دست یافت می شوند که بقیه فعالین و سازمانها و... با روی کرد سکتاریستی و خودی و غیر خودی

بی رویه و بدون در نظر گرفتن ظرفیتهای مختلف آنها شروع به بزرگ نمایی می کنند که نتیجه اش رشد خود محور بینی در افراد فوق می گردد.

۳- کار های غیر مسئولانه ای افرادی در قالب دو گروه رقیب که به اختلافات بسیار ریز دامن می زنند در واقع هیچ کدام از اعضای کمیته هماهنگی از اینکه اختلاف فوق با خواست چه کسانی دامن زده شده است را نمی دانند. دو گروه باهم زور آزمایی می کنند از یک طرف می خواهند برای کامل شدن به هم نزدیک شوند ولی از طرف دیگر در گرفتن امتیاز از یک دیگر به شدت کشمکش دارند. این پلان امتیاز گیری یک وقت بین بهزاد سهرابی با بهروز خباز شعله ور شد که چیزی نمانده بود هر دو بی گناه فدا شوند. ولی و با درایت بهروز و بهزاد کنترل شد. اما این بار مشکل بسیار بزرگتر است اگر فعالین کارگری و سیاسی دخالت اصولی نکنند بسیار خطر ناک خواهد شد.

موردی که اثبات می کند کار فرما بودن برخی از اعضا بهانه ی بیش برای اختلافات نیست، در حقیقت بیش از ۷۰ درصد اعضای تشکل های چون کمیته هماهنگی ، کمیته پیگیری ، اتحاد آزادکارگران ایران ، کانون مدافعان حقوق کارگری و سندیکای فلز کار مکانیک به نوعی کار فرما هستند. تعدادی از اعضای سندیکای فلز کار مکانیک دارای دکان و ابزار های تراشکاری هستند این دوستان هر کدام روی هم رفته ۴ نفر کار گر هم دارند . یا اینکه تعدادی از اعضای کمیته ها کار های ساختمانی انجام می دهند مانند لوله کشی گاز که هر کدام حد اقل ۳ نفر کارگر برایشان کار می کنند و خود آنها با صاحب خانه ها قرارداد پیمانکاری می بندند حتی برخی خودشان پیمانکاری هم نمی کنند بلکه کار را معرفی کرده در صدی در یافت می کنند . برخی نیز با اجاره دادن محل کار یا چند آپارتمان و در یافت اجاره ی آنها زندگی می کنند. برخی نیز دکانی دارند. برخی هم کارگر ماهر هستند ضمن اینکه خودشان کار می کنند دو نفر یا بیشتر شاگرد نیز دارند.

این ها را گفتم تا خواننده بداند در تشکل های فوق همیشه این چنین بوده است و حداقل ۷۰ درصد اعضا به نوعی ابزار تولید ولو که بسیار کم دارند. بنا براین اختلاف موجود در کمیته هماهنگی و حتی در بقیه بر این مبنا نبوده و نیست من تا زمانی که رفیق محمد حسین این مطلب را نوشته بود هنوز به اخبار دریافتی خود اطمینان صد در صد نداشتم که اعضای کمیته هماهنگی بدون اینکه از موضوع خبر داشته باشند دارند قربانی عدم همکاری بین دو گروه می شوند. این یک پلان امتیاز گیری است. و در این جا نیز محمود متاسفانه ندانسته به دام افتاده است.

البته رفیق محمد حسین در چنین پلان های ید بیضای دارد که در شورای همکاری موارد زیادی از جانب ایشان دیده شده است. مثلاً " کسانی از اعضای شورای همکاری را مراقب اعضای دیگر قرار می دادند که مبادا کنترل از دستشان خارج شود یا معلوم شود که چه تعداد از مصوبات شورای همکاری را خود سرانه تغییر داده اند. یا مثلاً" جلساتی با برخی از اعضای شورای همکاری بدون اطلاع بقیه تشکیل می دادند و ... حال باید منتظر شد و دید در کمیته هماهنگی چه خبر است.

همچنین ایشان شامه بسیار تیزی در تشخیص سوالات مغرضانه دارند و از هر سوالی که خوششان نیاید فتوای مغرضانه بودن را صادر می کنند مثلاً" در مطلب اخیرش به جای جواب گفتن به نقد ها همه آنها را وقاحت و دشمنی می داند. و

سوالی که من از محمود پرسیدم که همه شنیدند (که اشرفی پرسیده است) چون پس از پرسیدن از من خواستند که بنویسم. ایشان می فرمایند "شاید مغرضانه" ایشان می نویسند(و برخی نیز سوال کردند- که شاید مغرضانه- که آیا در کمیته هماهنگی بخش کارفرمایان ایجاد شده؟) ما همه می دانیم در بحث های این چنینی به کار بردن کلمات شاید ، ممکن است و... در واقع راه فرار پس از توهین و اهانت است. ایشان بدون دست آویز قرار دادن کلمه "شاید" در پاسخگویی باید ثابت کند با تکیه به کدام دلایل تشخیص دادند که سوال من مغرضانه است . آیا من دشمن کمیته هماهنگی هستم ؟ بنا به کدام مدرک ؟ آیا من کارفرما هستم ؟ آیا من کارگری هستم که در صف خدمت به سرمایه داری قرار دارم ؟ و... چرا باید غرض داشته باشم؟ یا ایشان می خواهد با چنین توهین و بر خورد های غیر اصولی دیگران را بترساند تا کسی سوال نکند؟ من در این مطلب گفتم شما در چنین پلان های ید بیضای دارید و سه مورد مثال آوردم . اگر شما نیز مرا مغرض می دانید لطفاً حداقل یک مثال بیاورید یا اینکه حرف خود را پس بگیرید.

یکی از افکار انحرافی که متأسفانه توسط رفیق محمد حسین نیز بیان می شود این است که به زور می خواهند تشکل های فعالین کارگری که از نظر من تشکل های شتر مرغی یا دو منظوره هستند را به عنوان ("تشکل "مستقل" کارگری") جابزنند و بعدش هر بحثی که دوست دارند پیش ببرند این در واقع از ریشه غلط است و چون ریشه بحث غلط است بنا براین هر بحثی نیز بر روی چنین ریشه و اساسی بر قرار شود، غلط خواهد بود. در نتیجه غیر از موارد کلی و غیر موضوعی که در مطلب خود بیان کرده اند بقیه از بنیان و اساس ربطی به بحث ندارد(یعنی ربطی به تشکل فعالین کارگری ندارد، بلکه ایشان می خواهند با معیار های یک تشکل خاص، تشکل خاص دیگری را تجزیه و تحیل کند این همان مثلی را به یاد می آورد که (گنجشک را رنگ کرده جای قناری می فروشد.)) محمد حسین رفیق عزیز اگر از این مورد خوشت نیامد یا نخواستی جواب بدهی لطفاً غیر مستقیم وقاحت ، دشمنی و مغرضانه معرفی کن.

محمد اشرفی

۱۳۹۱/۷/۱۰